

درس دوازدهم

نوشته‌های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه

نویسندگی خلاق می‌تواند به التیام لطمه‌های گذشته کمک کند و احساسات افراد را به حالت عادی برگرداند، همچنین می‌تواند فشار روحی را کاهش، درد را تسکین و روحیه را تغییر دهد.

محتوا : بهره‌گیری از روش مقایسه به منظور خلق نوشته‌های ذهنی

مثل نویسی

فضاسازی
تولید مضمونی نو تخیل

کارگاه نگارش

انتخاب موضوع و خلق نوشته
با بهره‌گیری از روش سنجش
و مقایسه
ارزیابی نوشته‌ها بر اساس سنجش‌های
درس

متن و تصویر

این درس به برقراری پیوند بین
پدیده‌ها، کشف روابط بین آنها،
درک شباهت‌ها و تفاوت‌های
آنها و درک روابط معنایی
موضوعات بر اساس قیاس
اشاره دارد.

در نوشتن عینی دو پدیده را
که در یک طبقه قرار دارند،
مقایسه می‌کنیم، ولی برای ذهنی
نوشتن می‌توان موضوعاتی را
با یکدیگر مقایسه کرد که هیچ
سنجشی با یکدیگر ندارند.

هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی با روش سنجش و مقایسه در نوشتن متن های ذهنی.
- ۲ تقویت توانایی برقراری پیوند بین موضوع نوشته با موضوعات دیگر و کشف روابط بین آنها به منظور نوشتن متن های ذهنی.
- ۳ تقویت درک شباهت ها و تفاوت های میان موضوع نوشته با موضوعات دیگر.
- ۴ جذابیت بخشیدن به موضوع نوشته از طریق کشف روابط بین موضوعات بی ارتباط با یکدیگر.
- ۵ درک اهمیت انسجام در نوشته های ذهنی.
- ۶ آشنایی با نقش نشانه ربط عطفی.

روش تدریس پیشنهادی

مهارت کشف روابط میان عناصر

شگرد کشف روابط میان عناصر، یکی از شیوه های ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی و آشکارسازی خلاقیت افراد است که توسط چارلز - اس - وایتینگ ابداع شده است. در این روش باید بین دو گروه از پدیده ها که به ظاهر پیوندی با یکدیگر ندارند، رابطه ای ایجاد کرد.

در این شگرد، اعضای گروه برای یافتن رابطه بین دو زمینه ای که با یکدیگر مانوس و مرتبط نیستند، دست به تلاش فکری زده و در این راه به ایده ها و نظرات جدیدی دست می یابند.

در آغاز هدف از ایجاد ارتباط، برای شرکت کنندگان بیان می شود. به طور کلی می توان گفت فلسفه ایجاد این شگرد مبتنی بر تئوری ضبط اطلاعات زمینه ای درحافظه است. به این معنی که ساختار ذهن طوری است که اطلاعات به همراه زمینه یا اطلاعات محیط اطرافش در حافظه وارد و ضبط می گردد. به عنوان نمونه اگر شما اولین بار با فردی درحال شادی آشنا شده باشید، هر زمان به یاد او می افتید حالت شادی به شما دست خواهد داد. همچنین اگر تلاش کنید لیست غذا را به خاطر بیاورید، به همراه آن ممکن است چیزهایی مثل رستوران، آشپز، نوشیدنی، شقاب یا اقلام شبیه آن را به خاطر آورید. اما هیچگاه تراکتور یا تو به یادتان نمی آید (مگر آنکه خاطره ای از لیست غذا و تراکتور یا تو داشته باشید) لذا این شگرد کمک می کند تا اطلاعات از زمینه های آن جدا شده و با یکدیگر ارتباط جدیدی را برقرار سازند و چه بسا در این رهگذر بتوان به ایده های تازه ای دست پیدا کرد. در این شگرد دو یا چند موضوع کاملاً بی پیوند با یکدیگر را انتخاب می کنیم و سپس سعی می کنیم بین آنها نوعی ارتباط بیابیم.

برای انتخاب یک مفهوم یا کلمه تصادفی چند راه وجود دارد :

۱ یک صفحه از فرهنگ لغت را باز می‌کنیم و از درون آن کلمه‌ای را انتخاب می‌نماییم.

۲ از دوست خود و با افراد خانواده درخواست می‌کنیم یک کلمه به ما معرفی کنند.

۳ از اشیای اطراف خود الهام می‌گیریم.

مثال : در این مثال روش کار را مرور می‌کنیم :

فرهنگ لغت را باز می‌کنیم. کلمه صندلی را می‌بینیم. بنابراین اولین کلمه صندلی است.

این کار را تکرار می‌کنیم. این بار، کلمه زمین را می‌بینیم.

حال سعی می‌کنیم بین زمین و صندلی ارتباط برقرار کنیم و مفاهیم جدید بسازیم. لازم نیست ایده‌های

خود را محدود به این دو واژه کنیم. نقش این دو فقط الهام بخشیدن است حتی مهم نیست که ایده‌های ما

عینی و عملی باشد و یا ذهنی. بهره‌گیری از این تکنیک با هدف آزاد کردن ذهن است.

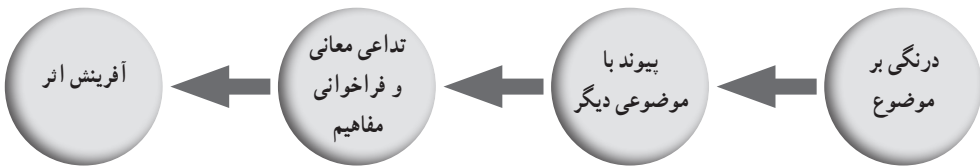
در درس ششم به این نکته اشاره شده است که برای نوشتن متن‌های ذهنی به روش سنجش و مقایسه از

مرز حواس فراتر می‌رویم و آزادانه در فضای ذهن حرکت می‌کنیم، بنابراین می‌توانیم دو چیز را که به ظاهر

هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند، با هم مقایسه کنیم.

مانند مقایسه کتاب با انسان، درخت و یا آسمان و نمونه‌های دیگری که در کتاب به آنها اشاره شده است.

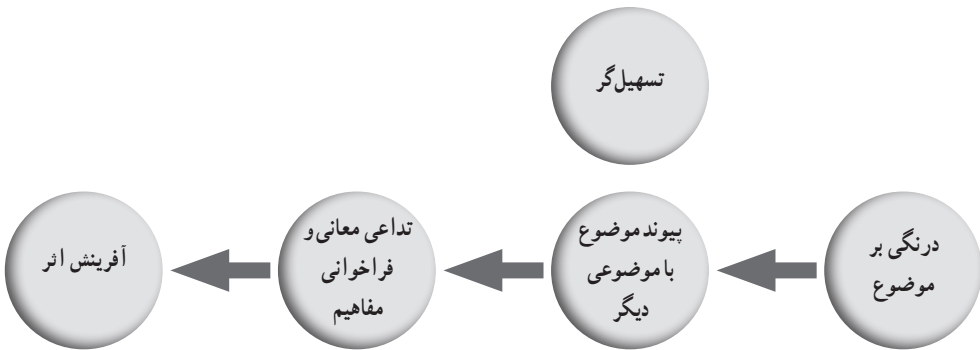
نمایه خلق نوشته بر پایه کشف روابط



هنگامی که برای نوشتن متن‌های ذهنی از پیوند زدن موضوع با موضوع‌های دیگر بهره می‌بریم، موضوع

دوم عمل درک و ارتباطیابی را آسان می‌کند و در پی آن بار معنایی پنهان در موضوع (انرژی پنهان

موضوع) آزاد می‌شود و شبکه‌ای از مفاهیم شکل می‌گیرد.



درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

در این تمرین از شیوه مقایسه و سنجش پدیده‌ها با یکدیگر برای پرورش ذهن و زبان دانش‌آموزان بهره گرفته‌ایم. شیوه سنجیدن و مقایسه آنها موجب می‌شود تا دانش‌آموزان از تفکر تک بعدی به سمت تفکر چند بعدی حرکت کنند و از قضاوت یک سو به پرهیزند و در داوری‌هایشان به جوانب مختلف یک موضوع توجه کنند. برای تدریس این درس می‌توان از روش‌های بارش مغزی و فهرست خصوصیات سود جست.

درس سیزدهم

عنوان: خیر و شر

نمایه درس

محتوا : ارائه داستانی نمادین در قالب نثر معاصر و نظم کهن، نیک‌کرداری و بدکرداری، چیرگی درستی بر نادرستی

هدف‌های آموزشی

- ۱ تقویت و رشد باورهای مذهبی و فرهنگی به مدد آموزه‌های متن درس (ایمان)
- ۲ تقویت توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۳ تقویت نگرش مثبت نسبت به کاربست آموزه‌های محتوایی درس، در زندگی روزمره (اخلاق)
- ۴ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر)
- ۵ آشنایی با نمونه‌ای از ادبیات داستانی – تمثیلی مثنوی هفت پیکر و داستان‌های دل‌انگیز (علم)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).

روش تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش ایفای نقش
- روش تدریس روشن‌سازی طرز تلقی و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب داستان‌های دل‌انگیز ادب فارسی، نوار صوتی، عکس، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

«زهرها خانلری» (کیا) در انشای مجموعه «داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی» کوشیده است که در عین مراعات سادگی و روانی، تا آنجا که میسر بوده، شیوهٔ تعبیر متن اصلی را نگهدارد و خصوصیات بیان شاعر و نویسنده را نشان دهد. تشبیهات و استعارات و تعبیراتی که در طی هر داستان آمده غالباً مأخوذ و منقول از متن اصلی است که مورد تلخیص قرار گرفته است. کتاب داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، شامل داستان بکناش و رابعه از الهی‌نامه و شیخ صنعان از منطق‌الطیر عطار، ۶ داستان از شاهنامه، خسرو و شیرین، دو داستان از هفت گنبد نظامی، همای و همایون خواجهی کرمانی، داستان بختیار بختیارنامه، یوسف و زلیخای جامی، نل و دمن فیض دکنی و داستان عامیانهٔ نه منظر خلاصه داستان‌های کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

درنگی در متن

- تشبیه : بیابان چون تنوری بود.
- اغراق : آهن از تابش خورشید نرم می‌شد.
- کنایه : دم زدن (سخن گفتن).
- * حالی آن لعلِ آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد
- «آبدار» در مصراع نخست : درخشان. در مصراع دوم : آبدار : دارندهٔ آب. از این رو، جناس همسان (تام) : در دو واژهٔ «آبدار» می‌توان یافت.
- «ریگ آبدار» استعاره از شَر است که آب هم داشت.

- * گفت مُردم ز تشنگی، دریاب آتشم را بکُش به لختی آب
- کنایه : مردم ز تشنگی : (از چیزی مردن) کنایه از بی‌طاعت شدن، از دست دادن تاب و توان.
- استعاره : آتش از تشنگی.
- تضاد : آب و آتش.

- * شربتی آب از آن زلالِ چو نوش یا به همتِ بیخس یا بفروش
- تشبیه : آب زلال به نوش و شهد، مانند شد.
- مراعات نظیر : شربت و نوش و آب و زلال.

*گفت برخیز تیغ و دِشنه بیار شربتی آب سوی تشنه بیار

■ جناس ناهمسان (ناقص) : تشنه و دشنه.

■ مراعات نظیر : تیغ و دشنه، آب و شربت و تشنه.

و....

آگاهی‌های فرامتنی

هفت پیکر از منظومه‌های دلکش ادبیات پارسی است. نظامی، این شاعر خوش قریحه گنجه در سرودن افسانه‌های این منظومه طبع لطیف و ذوق سرشار و خلاق خویش را با جهان‌بینی آرمانی‌اش تجسم بخشیده است. او با توصیف‌های نغز و زیبا و پدیدآوردن مناظری شگرف در مقابل دیدگان خواننده، تبحرش را در آفرینش صحنه‌های بدیع می‌نمایاند.

روز پنج‌شنبه، که منسوب به سیاره مشتری است، بهرام در گنبد ششم می‌نشیند و شاهزاده بانوی چین، یغماناز، افسانه‌ای را برای او نقل می‌کند. داستان خیر و شر، ششمین داستان هفت پیکر است. این داستان نمادین و تمثیلی است با بیانی شیوا و دلکش، تعالیم اخلاقی و آموزه‌های بشری را به خواننده القا می‌کند.

به بیان استاد عبدالحسین زرین کوب: «افسانه‌ای که پنج‌شنبه، دختر پادشاه در گنبد صندلی فام حکایت می‌کند، چنان‌که از حکمت و ظرافت اهل چین در سنت‌های ادبی آن ایام انتظار می‌رود، هم اخلاقی و هم رمزی است. در مقایسه آن با یک قصه کوتاه اروپایی که تحت عنوان «خیر و شر» در مجموعه امثال «دون خوان مانویل» آمده است، نه فقط رنگ پر نور شرقی آن بلکه مفهوم رمزی ژرف‌تری که در جزئیات آن هست، قدرت تخیل شرقی را به نحو بارزی واجد برتری نشان می‌دهد».

درنگی در کارگاه درس پژوهی

۱ پاکي / خُبث / بدبخت : مُقبل / غنی : مُفلس.

۲ بنیانگذار - خدمتگزار - کارگزاران.

۳ الف) ناگهان : قید. // جوانی : مفعول. // خاک : متمم.

ب) دید : ماضی ساده. // افتاده است : ماضی نقلی. // می‌نالد : مضارع اخباری. // می‌خواند : مضارع

اخباری.

۴ مثنوی، چون هر بیت، قافیه‌ای جداگانه دارد.

۵ تو مرا کشتی و خدای نکشت مقابل آن کز خدای گیرد پشت
دولتم چون خداپناهی داد اینکم تاج و تخت شاهی داد

۶ از ماست که برماست : گفت : زنهار اگرچه بد کردم در بد من مبین که خود کردم.

از کوزه همان برون تراود که در اوست : گفت : اگر خیر هست خیراندیش تو شری جز شرت نیاید پیش.

۷ از هر دو داستان، مفهوم آیه شریفه «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَدَلَّ مِنْ تَشَاءٍ» قابل دریافت است؛ همچنین تقابل خیر

و شر، نیکی و بدی و چیرگی خوبی‌ها و زیبایی‌ها بر بدی‌ها و زشتی‌ها از مضامین اصلی آنهاست.

حضرت یوسف (ع) و «خیر»، نمادی از انسان‌های نیک‌سیرت هستند و «برادران یوسف» و «شر» نمادی

از انسان‌های بدذات و زیاده‌خواه.

کور شدن «خیر» می‌تواند با «در چاه افتادن» حضرت یوسف (ع) و نیز نجات یافتن از چاه با درمان شدن

خیر توسط چوپان و دخترش قیاس شود.

در هر دو داستان، اقبال و بزرگی، عاقبت نیک‌اندیشی و خیرخواهی به مشیت الهی است.

گنج حکمت (ای رفیق)

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی (۸۴۰ هـ ق در سبزوار - ۹۱۰ هـ ق در هرات) معروف به مولانا حسین واعظ کاشفی یا واعظ کاشفی، نویسندهٔ پرکار، عالم جامع‌العلوم، منجم، مفسر قرآن، و واعظ تأثیرگذار در عهد تیموریان بود. عمده شهرت او به واسطهٔ نگارش «مقتل روضة الشهداء» است که در دوران صفویه برای اجرای تعزیه و روضه‌خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. کاشفی تخلص او بود و از آنجا که به وعظ و نصیحت مردم می‌پرداخت به واعظ مشهور شد. امروزه آثار زیادی از کاشفی بر جای مانده که گواهی بر گستردگی دانش و اطلاعات اوست. هفت اثر مشهور او به زعم خواندمیر عبارت‌اند از: جواهرالتفسیر، مواهب‌علیه، روضة الشهداء، انوار سهیلی، مخزن الانشا، اخلاق محسنی، و سبعة کاشفیه. بسیاری از آثار کاشفی هنوز تصحیح و منتشر نشده‌اند و از برخی تنها نام و نشانی در مآخذ باقی مانده‌است. اخلاق محسنی، یکی از آثار برجسته ملاحسین واعظ کاشفی، در حوزه حکمت عملی است که به نام سلطان حسین میرزا بابقرا و پسرش محسن میرزا در چهل باب، با عبارت‌های فارسی روان به نگارش در آمده است.

توضیحات متن : بر سبیل تطف : با نرمی و مهربانی / آن شخص مسلم نداشت : آن شخص باور نکرد. /

آغاز عربده و سفاقت نهاد : بانگ و فریاد و بی‌خردی آغاز کرد. / چرا زبون این ناکس شده‌ای و هر چند

او قهر می‌کند، تو لطف می‌فرمایی : چرا در برابر این مرد نالایق و پست که درشتی و ستم می‌کند، ناتوان گشته‌ای و ملایمت نشان می‌دهی؟ (استفهام انکاری تأکیدی) / ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، چهارمین مصراع از رباعی شیخ بهایی است :

آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست و آنکس که نکو گفت مرا، خود نیکوست
حال متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست

درس چهاردهم

نوشته‌های ذهنی (۳)

ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم

محتوا: بهره‌گیری از روش خوشه‌سازی در خلق نوشته

مثل نویسی
افزایش توان نویسندگی
توانمندسازی ذهن و زبان

کارگاه نگارش
انتخاب موضوع و خلق نوشته‌ای
با بهره‌گیری از ناسازی معنایی

متن و تصویر
برای بهره‌گیری از روش
خوشه‌سازی ابتدا موضوع
در مرکز و هسته نمودار جای
می‌گیرد و ضمن تفکر و تأمل
درباره موضوع مفهومی
ناساز با آن در کنار موضوع
ثبت می‌گردد. به شیوه بارش
مفاهیم، شاخه‌های اصلی
هسته‌ها کامل می‌شود و
مفاهیم به دست آمده دست‌مایه
خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از
ناسازی معنایی است.

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با روش خوشه‌سازی.
- ۲ تقویت توانایی ایجاد شبکه روابط بین مفاهیم.
- ۳ توانایی خلق نوشتن با استفاده از روش ناسازی معنایی.
- ۴ درک اهمیت رعایت انسجام در نوشته.
- ۵ آشنایی با نمونه‌های برجسته‌ای از نوشته‌هایی که به شیوه ناسازی معنایی خلق شده‌اند.
- ۶ ایجاد نگرش مثبت در بهره‌گیری از ناسازی معنایی در نوشتن.
- ۷ آشنایی با نقش ابزار زبانی نشانه ربط تقابلی.

روش تدریسی پیشنهادی

روش خوشه‌سازی : ذهن ما مثل یک انباری شلوغ و سازمان نیافته است. خوشه‌سازی در واقع قالبی است برای استفاده از تفکر تصویری. آیا می‌توان تمام عمر منتظر ماند که الهام به درون ذهن راه یابد؟ شاید از خودمان بپرسیم باید از کجا شروع کنیم؟ از چه بنویسیم؟ چگونه بنویسیم؟ با استفاده از خوشه‌سازی می‌توانیم آنچه در ذهنمان است را به روی کاغذ بیاوریم. این روش به ما کمک می‌کند دري به انبار خاطرات، تجربیات، اطلاعات و احساسات سازمان نیافته ذهن باز کنیم. خوشه‌سازی برای نوشتن انواع متن‌های گوناگون (انشا، شعر، داستان کوتاه، گزارش کار، ترانه و حتی رمان) کاربرد دارد.

مهم‌ترین نکته در استفاده از این روش، عدم پیش‌داوری است. باید اجازه دهیم خوشه‌سازی قدرت‌های خود را به ما بنمایاند.

گام اول : برای نوشتن به روش خوشه‌سازی گام اول انتخاب هسته است. یک کلمه یا عبارت را به عنوان مرکز نقل و هسته خوشه در نظر می‌گیریم.

گام دوم : بدون مکث و خودسانسوری، تمام عباراتی را که این هسته به یاد ما می‌آورد، از انباری ذهن خود بیرون می‌کشیم. منبع ما خاطرات، احساسات و تجربیات گذشته ما هستند.

برای این کار، دور کلمه‌ها دایره می‌کشیم و دایره‌ها را با فلش‌هایی به هم وصل می‌کنیم. علت استفاده از دایره این است که دایره، مفهومی طبیعی و پویاست. در نقاشی‌های کودکان نیز مفاهیم به کمک دایره نشان داده می‌شوند. مربع و مستطیل ساخته‌های دست بشری هستند. فلش نیز به دلیل ساختار خاصی که دارد، باعث جاری شدن تفکرات و ایده‌ها می‌شود. دایره‌های خالی که با فلش به هم مرتبط می‌شوند ذهن را تحریک می‌کنند.

گام سوم : در این مرحله هر یک از واژگان که سرشاخه هستند، خود به عنوان هسته قرار می‌گیرند. در حقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است. ۲ تا ۵ دقیقه برای این مرحله کافی است. به محض سرریز ذهنی احساسات حاصل از خوشه‌سازی، ما آماده نوشتن هستیم.

گام چهارم : نوشتن خلاق در پایان به منظور ویرایش نوشته نهایی، آن را با صدای بلند می‌خوانیم.

چند نکته

خوشه‌سازی نوعی تندنویسی تفکر تصویری همراه با انتخاب است؛ به هیچ وجه لزومی ندارد تمام خوشه‌ها در متن نهایی استفاده شوند. خوشه‌سازی در واقع مثل ماهی گرفتن است؛ لازم نیست زیاد انتظار بکشیم، چون ماهی همیشه می‌آید. ما باید آماده گرفتنش باشیم. فکر نیز همین خاصیت را دارد. خوشه‌سازی با ایجاد هسته مانند آهنربا یکسری عبارات و کلمات را از نیمکره راست مغز به خود جذب می‌کند.

کلمات و عباراتی که در خوشه‌سازی تجلی می‌یابند، گاهی موجب شگفت‌زدگی ما می‌شوند. علت این شگفت‌زدگی این است که تفکر مفهومی، ما را مجاب می‌کند که برای هر چیزی علتی منطقی بیابیم. پس متعجب می‌شویم، زیرا این کلمات و مفاهیم در حوزه دانسته‌های آگاهانه ما قرار ندارند. به خاطر داشته باشیم :

در هنگام خوشه‌سازی نباید سعی کنیم، تمرکز داشته باشیم؛ این اغتشاش ظاهری کلمات و عبارات به طور طبیعی الگو خواهد پذیرفت. بیشتر سعی کنیم در جریان خوشه‌سازی غرق شویم. در این وضعیت ما نقش کودکی را داریم که از هر اتفاق جدیدی شگفت‌زده می‌شود. انگار ما نیز کودکی شده‌ایم و بازی با ایده‌ها را تجربه می‌کنیم. در طول خوشه‌سازی به دو تجربه و نتیجه بسیار مهم دست پیدا می‌کنیم :

امکان انتخاب

مرکز نقل : این دو، از پتانسیل‌های نوشتن طبیعی هستند که با این روش‌ها بالقوه و آزاد می‌شوند. در حقیقت پذیرش خوشه‌سازی به عنوان یک تکنیک مؤثر در نوشتن خلاق، پذیرش قدرت خلاق طبیعی

کودکان (کودک درون) است. در حین این تجربه به این باور می‌رسیم که کم محتواترین کلمات هم تداعی‌های بسیاری دارند.

در حقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول :

دانش‌آموزان در این تمرین با توجه به آموزه‌های درس و سنجه‌های ارزشیابی به خلق متنی نو اقدام می‌کنند.

بازی «آوا و سکوت»

روزی که درختان سکوت کردند

پرنده‌گان کوچک بازیگوش از لابه‌لای شاخه‌هایشان به پرواز درآمدند

درختان سکوت کردند

اما؛

پرنده‌گان،

همان پرنده‌گان بازیگوش را می‌گویم

موسیقی ذهن درختان را به گوش همه رساندند

سکوت درختان پر از آواهای شنیدنی بود

سکوتی پریهاهو و سرشار از آواز و سرود

و در آن آواهایی شنیدنی و نواهایی پر رمز و راز موج می‌زد

یک متناقض‌نمای تمام عیار!

سکوت درختان، همه باغ را به بازی گرفته بود

بازی «آوا و سکوت»

درس پانزدهم

نشانی از خدا

نمایه درس

محتوا: شناخت جهان آفرین و جهان از نگاه نویسندگان جهانی، مفهوم بی‌نهایت، شکوه اندیشه، احساس و عقل

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نمونه‌هایی از افکار و اندیشه جهانی از طریق مطالعه آثار ادبی (علم)
- ۲ تقویت مهارت خواندن متون مشهور ادبی با لحن مناسب (عمل)
- ۳ توانایی تطبیق مفاهیم و ارزش‌های متون ادبیات جهان با ادبیات ایران (تفکر)
- ۴ تقویت نگرش مثبت نسبت به مطالعه آثار برجسته ادبیات جهان و تأمل در مفاهیم آنها (باور)
- ۵ رعایت اخلاق پژوهشی در حوزه زندگی فردی، منطقه‌ای و جهانی (اخلاق)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر).

روش تدریس پیشنهادی

- روش پرسش و پاسخ
- روش بحث گروهی
- روش کارآیی گروه
- روش تدریس اعضای گروه و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب مائده‌های زمینی، نوار صوتی، عکس، نمایش فیلم با محتوای بی‌کرانگی آفرینش، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

آگاهی‌های فرامتنی

«آندره ژید» در سال ۱۸۶۹ میلادی در پاریس به دنیا آمد. خانواده او سخت پای‌بند به سنت‌های مذهب پروتستان بود و این موضوع تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیتش گذاشت. بروز بیماری در کودکی مانع از تحصیلات منظم او شد، اما علم‌دوستی و فضای فرهنگی خانواده توانست این خلأ را جبران کند. ژید کتاب‌های «سفر به کنگو» و «بازگشت از جاد» را بر ضد استعمار نوشت. او عضو حزب کمونیست شد، اما با آورده نشدن انتظارات و تمایلات عدالت خواهانه‌اش با نوشتن کتاب بازگشت از شوروی از این حزب کناره گرفت. وی سرانجام در سال ۱۹۵۱ بر اثر بیماری ذات‌الریه درگذشت. او در سال ۱۹۴۷ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد.

کارگاه درس پژوهی

۱ نانا نائیل، هویدا، منحصر، عظمت، مائده.

۲ فعالیت دانش‌آموزی.

۳ فعالیت دانش‌آموزی.

۵ به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواسته باشم تمامی مهرم را تبارش کنم. ای زیبای عاشقانه زمین، شکوفایی گسترده تو دل‌انگیز است.

بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو

کجا دیدی که بی‌آتش، کسی را بوی عود آمد

اعمال ما وابسته به ماست؛ راست است که ما را می‌سوزاند، اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد و اگر جان ما ارزش داشته باشد برای این است که سخت‌تر از جان‌های دیگر سوخته است.

۶ خدا در همه جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نایافتنی است.

هر آفریده‌ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده‌ای نشان دهنده او نیست.

۷ در هر دو عبارت، بر تغییر نگرش تأکید شده است؛ این که آدمی باید از نگاه سطحی پرهیز کند تا بتواند

زیبایی‌ها و بزرگی‌ها را در پدیده‌های هستی و مفاهیم کشف کند.

گنج حکمت (درشتی و نرمی)

در این حکایت سعدی بر این نکته تأکید دارد که مهربانی و خشونت در جای مناسب خود اثر بخش است. گاهی لازم است به نرمی رفتار و گاهی نیز تندى را پیشه کرد مانند کسی که رگ می‌زند: هم‌رگ را می‌برد و هم بر آن مرهم می‌نهد و نتیجه عملش بهبودی شخص بیمار است.

درس شانزدهم

نوشته‌های داستان گونه

محتوا : شناخت عناصر اصلی داستان و خلق نوشته‌های داستان گونه

مثل نویسی

بازآفرینی یک مثل از میان
مثل‌های ارائه شده و گسترش
آن.

کارگاه نگارش

خلق نوشته‌ای داستانی براساس
عناصر داستانی.
ارزیابی نوشته براساس سنجه‌ها

متن و تصویر

در این درس به چند عنصر اصلی
داستان اشاره شده :
شخصیت پردازی
ماجرای داستان فضا
روایت (شیوه بیان، زاویه دید)
ذکر نمونه‌های داستانی

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با داستانی نوشتن به عنوان یکی از گونه‌های نوشته ذهنی.
- ۲ آشنایی با شخصیت پردازی در نوشته‌های داستان گونه.
- ۳ آشنایی با طرح ماجرا و خلق حادثه.
- ۴ آشنایی با اهمیت فضا سازی در نوشته.
- ۵ تقویت توانمندی معرفی شخصیت‌های داستان با بهره‌گیری از گفت‌وگو.
- ۶ توانایی درک فضا سازی داستان.
- ۷ توانایی خلق شخصیت‌هایی متناسب با فضای داستان.

۸ شناخت و درک اهمیت شیوه بیان به عنوان یکی از ارکان روایت.

۹ آشنایی با نمونه‌های ارزنده‌ای از داستان کوتاه.

۱۰ آشنایی با نقش ابزار زبانی نشانه ربط سببی.

روش تدریس پیشنهادی

روش تدریس همیاری گروهی

گام نخست: انتخاب داستان ابتدا داستانی کوتاه را که متناسب با رده سنی دانش‌آموزان پایه دهم است، انتخاب می‌کنیم.

سنگ و سنگ تراش

«روزی، سنگ تراشی که از کار خود ناراضی بود و احساس حقارت می‌کرد، از نزدیکی خانه بازرگانی رد می‌شد. در باز بود و او خانه مجلل، باغ و نوکران بازرگان را دید و به حال خود غبطه خورد با خود گفت: ...»

این بازرگان چقدر قدرتمند است! و آرزو کرد که او هم مانند بازرگان باشد. در یک لحظه، به فرمان خدا او تبدیل به بازرگانی با جاه و جلال شد! تا مدت‌ها فکر می‌کرد که از همه قدرتمندتر است. تا اینکه یک روز حاکم شهر از آنجا عبور کرد، او دید که همه مردم به حاکم احترام می‌گذارند حتی بازرگانان.

مرد با خودش فکر کرد: کاش من هم یک حاکم بودم، آن وقت از همه قوی‌تر می‌شدم! در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالی که روی تخت روانی نشسته بود، مردم همه به او تعظیم می‌کردند. احساس کرد که نور خورشید او را می‌آزارد و با خودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است.

او آرزو کرد که خورشید باشد و تبدیل به خورشید شد و با تمام نیرو سعی کرد که به زمین بتابد و آن را گرم کند. پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه آمد و جلوی تابش او را گرفت. پس با خود اندیشید که نیروی ابر از خورشید بیشتر است و آرزو کرد که تبدیل به ابری بزرگ شود و آن چنان شد.

کمی نگذشته بود که بادی آمد و او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شود و تبدیل به باد شد. ولی وقتی به نزدیکی صخره سنگی رسید، دیگر قدرت تکان دادن صخره را نداشت. با خود گفت که قوی‌ترین چیز در دنیا، صخره سنگی است و تبدیل به سنگی بزرگ و عظیم شد. همان‌طور که با غرور ایستاده بود، ناگهان صدایی شنید و احساس کرد که دارد خرد می‌شود. نگاهی به پایین انداخت و سنگ تراشی را دید که با چکش و قلم به جان او افتاده است!

گام دوم : توزیع داستان

پس از گروه‌بندی یک نسخه از داستان را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم.

گام سوم : تعیین وظایف

وظایف افراد در گروه را مشخص می‌کنیم.

نفر اول : تعیین شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان و ثبت آن.

نفر دوم : نوشتن ماجرای داستان در چند سطر پس از شنیدن کل داستان.

نفر سوم : مشخص کردن فضای داستان. (فضای دوستانه، غم‌انگیز، شاد، بدخواهانه و ...)

نفر چهارم : تعیین زاویه دید داستان و همچنین بررسی شیوه بیان آن. (از نظر خبری و یا حادثه‌ای بودن

و ...)

گام چهارم : انجام کار به صورت انفرادی داستان توسط اعضا در گروه خوانده می‌شود و هر یک از

اعضای گروه به تحلیل وظایف بخش مربوط به خود می‌پردازند.

گام پنجم : بررسی داستان به شیوه گروهی در این مرحله هر یک از فراگیران با اعضای گروه،

پیرامون عناصری که مورد بررسی قرار داده‌اند، به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

گام ششم : بررسی داستان در کلاس سخنگویان هر گروه نتایج به دست آمده را در کلاس مطرح و در

صورت نیاز اصلاحات احتمالی توسط معلم صورت می‌پذیرد. در صورتی که ابهامی در مورد هر یک از

مراحل وجود داشته باشد توسط معلم برطرف می‌گردد.

گام هفتم : توزیع کاربرگ‌ها در این مرحله به هر یک از گروه‌ها کاربرگ زیر ارائه می‌گردد. به آنها

می‌گوییم قرار است داستانی بنویسید، قبل از شروع با همفکری، نمایه زیر را کامل کنید. سپس براساس آن

نوشته‌ای داستان گونه خلق کنید.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

در این تمرین فراگیران با توجه به آموزه‌های درس شانزدهم متن‌های خود را می‌خوانند و دانش‌آموزان بر پایه سنجه‌های ارائه شده، نوشته دوستانشان را ارزشیابی می‌کنند.

آگاهی‌های فرامتنی

برای اینکه بتوانیم داستان بنویسیم، لازم است راه و روش آن را بلد باشیم. پس اگر تا حالا سعی کردیم یک داستان خوب بنویسیم ولی نتوانستیم، برای این است که بدون توجه به اصول، شروع به نوشتن کرده‌ایم.

الف) طرح داستان

داستان برای شکل گرفتن و کامل شدن نیاز به زمان دارد و داستان‌نویس در نوشتن آن نباید عجله کند. زیرا سوزهای که به ذهن شما می‌آید باید مدتی در ذهنتان باقی بماند تا هم در زمینه‌های مختلف مطالعه کنید و هم در مورد عناصر تشکیل دهنده آن فکر کنید. هر داستانی بعد از مدتی، خودش مانند میوه‌ای رسیده، از شاخه ذهنتان جدا می‌شود و روی صفحه سفید دفترتان می‌افتد. برای این کار داستان باید مراحل زیر را بگذراند: ۱- موضوع‌یابی ۲- پیام داستان ۳- طراحی داستان ۴- رشد و پرداخت داستان

۱ داستان‌نویس قبل از هر چیز باید بداند که قصد دارد درباره چه موضوعی داستان بنویسد.

۲ از هر موضوعی باید در حد خودش انتظار رشد داشت. مثلاً اگر بخواهید رمانی طولانی بنویسید، باید موضوعی را انتخاب کنید که بتوان روی آن بیشتر کار کرد و همچنین نباید با موضوع‌های بلند، داستان‌های کوتاه بنویسید که باعث ورود حوادث پشت سرهم یا ورود شخصیت‌های گوناگون می‌شوند که درست معرفی نمی‌شوند و در ذهن خواننده باقی نمی‌مانند و باعث سردرگمی او می‌شوند.

۳ پیام داستان نباید مستقیم بیان شود. بلکه باید مانند یک قند که در آب حل شده است، طوری در داستان به خواننده ارائه شود که دیده نشود ولی خواننده در طول داستان آن را احساس کند. برای این کار باید در انتخاب شخصیت‌ها، حوادث، گفتگوها و... دقت بسیار زیادی به خرج داد. زیرا هر یک از این عناصری که در خدمت پیام هستند، می‌توانند پیام را با قدرت بسیار زیاد به نمایش بگذارند.

۴ یک نویسنده برای نوشتن داستانش باید نقشه داشته باشد. نقشه نویسنده برای نوشتن داستان را، «طرح داستان» می‌گویند. پس از آماده و تکمیل کردن طرح داستان است که نویسنده می‌تواند به سراغ نوشتن خود داستان برود.

۵ طرح داستان باید روشن و کامل باشد؛ یعنی معلوم باشد که داستان از چه نقطه‌ای شروع شده، چه مسیری را طی کرده و چطور به پایان رسیده است. کمترین توقّعی که خواننده پس از خواندن داستان دارد، این است که بتواند طرح آن را تعریف بکند. یعنی بگوید که داستان درباره‌ی چه کس و یا چه چیزی بوده، چگونه شروع شده، چطور ادامه پیدا کرده و چطور پایان یافته است.

۶ باید برای هر عمل و حادثه‌ای که در داستان اتفاق می‌افتد، دلیل روشن و محکمی ارائه داد و علّت بروز آن عمل و حادثه نیز در داستان باید به نحوی روشن باشد.

۷ در هر طرح باید شخصیت اصلی، حادثه‌ی اصلی، زمان و مکانی که حادثه در آن روی داده است، کاملاً روشن و مشخص باشند.

۸ طرح داستان باید در خدمت پیام داستان باشد. گاهی اوقات در حین نوشتن و تکمیل کردن طرح داستان، حوادث پرهیجان و یا شخصیت‌های جالبی به ذهن نویسنده می‌رسد که نه تنها نقشی در انتقال پیام ندارد، بلکه باعث کم رنگ شدن آن نیز می‌شود.

ب) شخصیت‌پردازی

۱ پرداخت مستقیم خصوصیات شخصیت‌ها معمولاً در داستان‌هایی صورت می‌گیرد که شخصیت‌های بسیار زیادی دارند و نویسنده در طول داستان، مجال پرداخت غیرمستقیم مشخصات آنها را پیدا نمی‌کند و به همین خاطر خصوصیات شخصیت‌ها را در یک یا دو جمله از زبان خود و یا یکی از شخصیت‌های داستان بیان می‌کند. در داستان‌هایی که یک یا دو شخصیت اصلی دارند، این کار از قوت داستان می‌کاهد و نویسنده باید به طور غیر مستقیم – یعنی از طریق گفتار و کردار آن شخصیت‌ها – به آنها پردازد.

۲ در داستان‌هایی که تعداد شخصیت‌ها زیاد است باید خصوصیات شخصیت‌هایی را بیان کرد که در داستان نقش اصلی را دارند. در غیر این صورت، باعث پراکندگی ذهن خواننده می‌شود.

۳ نباید همه‌ی لحظاتی را که بر شخصیت‌های داستان می‌گذرد، با ذکر جزئیات در داستان بیاوریم، بلکه تنها لحظاتی را باید در داستان آورد که در آن زمان، حوادث خاص – که در طرح داستان نقشی داشته باشند – اتفاق می‌افتد. از روی لحظات دیگر می‌توان بسیار راحت و تنها با اشاره گذشت.

۴ داستان‌هایی که از زبان اول شخص تعریف می‌شوند، داستان‌های عاطفی و دارای فضای صمیمانه هستند و داستان‌هایی که از زبان سوم شخص روایت می‌شوند، داستان‌های حادثه‌ای هستند و بهتر است که جای این دو را رعایت کنیم.

انواع شخصیت در داستان:

شخصیت اصلی: شخصیت اصلی شخصیتی است که همهٔ حوادث و شخصیت‌ها به معرفی او می‌پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می‌برد و از همه مهم‌تر سرنوشت و پایان ماجراهای اوست که اهمیت پیدا می‌کند. به چنین شخصیتی، شخصیت اول یا اصلی می‌گویند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین شخصیت داستان، شخصیتی محوری است که همهٔ طرح و پرداخت داستان در جهت معرفی و مشخص کردن سرنوشت او به کار گرفته می‌شوند و محوریت حوادث بر رفتار، اعمال، اندیشه و احساسات او قرار می‌گیرند. شخصیت اصلی کشمکش خود را با زنجیره‌ای از حوادث پیش می‌برد و ساختار روایی داستان را ایجاد می‌کند. شخصیت اصلی، مهم‌ترین درون مایه، پیام و یا حس داستانی را منتقل می‌کند و یا دست کم در انتقال آن نقش اساسی دارد.

نمونه‌هایی از شخصیت اصلی در داستان:

در رمان «چشم‌هایش»، از «بزرگ علوی»، «استاد ماکان» شخصیت اصلی و محوری است. در رمان «سرخ و سیاه»، «ژولیان» شخصیت اصلی است. اوست که حوادث را پیش می‌برد و پایان و سرنوشت اوست که برای خواننده اهمیت پیدا می‌کند. «خالد» قهرمان رمان «همسایه‌ها» نوشتهٔ «احمد محمود» شخصیت اصلی است. «بابا سبحان» در «آوسنه باب سبحان» اثر «محمود دولت آبادی»، «آهوخانم» در «شوهر آهوخانم» از «علی محمد افغانی»، «مرسو» در «بیگانه» اثر «آلبر کامو»، و «اما بوواری» در «مادام بوواری» اثر «گوستاو فلوربر» نمونه‌هایی از صدها نمونهٔ شخصیت اصلی هستند که می‌توان نام برد.

فردی که در مرکز داستان کوتاه، رمان، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی می‌کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، شخصیت اصلی می‌گویند. «شخصیت اصلی»، گاهی مترادف «قهرمان اصلی» می‌آید، گرچه ضرورتی ندارد که شخصیت اصلی همیشه خصوصیت‌های قهرمانی داشته باشد. «شخصیت اصلی، خوب یا بد، همواره با نیرویی معارض به کشمکش برمی‌خیزد. از وقتی که «کشمکش میان شخصیت اصلی با معارضش» آغاز می‌شود، «پیرنگ داستان» شکل می‌گیرد. در داستان «داش آکل» نوشتهٔ «صادق هدایت»، «داش آکل»، شخصیت اصلی داستان و «کاکارستم» شخصیت مخالف اوست، که اینها در برابر هم قرار می‌گیرند.»

شخصیت‌های پویا و ایستا: یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های شخصیت، شخصیت‌های ایستا و شخصیت‌های پویا (متحول) هستند.

شخصیت ایستا: شخصیتی که در داستان تغییر نکند یا اندک تغییری پذیرد و در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است طوری که حوادث داستان بر او تأثیر نگذارد. به عنوان نمونه «خورشیدشاه»

قهرمان داستان «سمک عیار» با همه تحولاتی که پشت سر می‌گذارد باز در پایان داستان همان شخصیت آغاز قصه را دارد.

شخصیت پویا: شخصیتی که مدام در طول داستان، دچار تغییر و تحول شود و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان بینی او یا خصلت و خصوصیات شخصی او دگرگون شود. این دگرگونی در شخصیت ممکن است عمیق یا سطحی و پیش یا افتاده، پدیده یا محدود باشد. ممکن است در جهت سازندگی شخصیت‌ها یا تخریب و ویرانگری آنها عمل کند. یعنی در جهت متعالی کردن فرد یا در زمینه تباهی و نابودی او پیش برود. این تغییر اساسی و حائز اهمیت است و تغییر لحظه‌ای و زودگذر نیست که حالت یا عقیده شخص را دگرگون نماید.

شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویا هستند. شخصیت‌های آنها در سیر حوادث تغییر و تحول می‌یابد. در واقع از قانون طبیعت و زندگی بشری پیروی می‌کنند و متحول می‌شوند. انسان چون موجودی پویا است. وقایع و اوضاع اجتماعی باعث تغییر در ابعاد شخصیتی او می‌گردد و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رمان نمایشگر این تغییر و دگرگونی است. البته در هر داستانی نمی‌توان انتظار تحول شخصیت‌ها را داشت. در داستان کوتاه مجال برای این امر نیست به همین دلیل اغلب شخصیت‌های داستان کوتاه ممکن است شخصیت‌های ایستایی باشند که در طول داستان خصوصیات ثابت داشته باشند یا اندک تغییری یابند.

در داستان‌های بازاری، جنایی و پلیسی تغییرات در شخصیت‌ها اغلب سرسری، کاذب و ناگهانی است و صرفاً برای رضایت خواننده و پایان خوشی است که داستان پیدا می‌کند. این چنین تغییرات کمتر باورکردنی و معقول به نظر می‌رسد. برای قانع کردن خواننده باید سه عامل مهم، یعنی امکانات شخصیت، اوضاع و احوال و مقتضیات زیستی محیط و زمان را در نظر گرفت. تغییر و تحول شخصیت باید سه اصل را داشته باشد.

- ✓ تغییرات و دگرگونی‌ها باید در حد امکانات آن شخصیتی باشد که این تغییرات را موجب می‌شود.
- ✓ تغییرات باید معلول اوضاع و احوالی باشد که شخصیت در آن واقع است.
- ✓ زمان کافی برای انجام این تغییرات وجود داشته باشد تا به تناسب درجه اهمیت آن تغییرات باورکردنی جلوه کند.

پس تغییر باید اساسی صورت گیرد و زمان در آن بسیار مهم است. چرا که تغییر ناگهانی در نظر خواننده باورکردنی و واقعی نیست.

شخصیت قالبی: شخصیت‌هایی هستند که به صورت نسخه بدل یا کلیشه‌ای شخصیت‌های دیگر باشند. شخصیت‌های قالبی از خود هیچ تشخیصی ندارند و بی‌هویت هستند. ظاهر آنها آشنا و صحبت‌های آنها قابل پیش‌بینی است. طرز عمل و نوع رفتارشان مشخص است چرا که دارای الگوی رفتاری هستند که ما با آن قبلاً آشنا شده‌ایم. این نوع شخصیت‌ها در اطراف ما بسیارند و در زندگی روزمره به چشم می‌خورند. «متمايزترین آنها شخصیت‌هایی هستند که به شخصیت قالبی و ساختگی خود، جنبه حرفه‌ای و کسب و کار داده‌اند مثل منشی‌ها. شخصیت‌های ساختگی مثل روشنفکر نما، مقدس مآب، مظلوم نما که از گفتار و طرز رفتار آنها به خصوصیت‌های قالبی شخصیت آنها پی می‌بریم.

نویسندگانی که بیش از حد به شخصیت‌های قالبی و شناخته شده روی می‌آورند، چندان به خود زحمت نمی‌دهند که به دنبال شخصیت‌های واقعی باشند و به همین دلیل نمی‌توانند شخصیت‌های زنده‌ای بیافرینند. یکی از دلایل این امر را می‌توان کمبود استعداد هنری در خلق شخصیت‌ها دانست به همین دلیل نویسنده نمی‌تواند شخصیتی را که دارای انسجام کافی باشد خلق نماید. در این گونه آثار همه شخصیت‌ها به هم شباهت دارند و به آسانی می‌توان آنها را به آثار دیگر منتقل کرد.

در آثار نویسندگان بزرگ از شخصیت‌های قالبی اثری دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه در «جنگ و صلح» تولستوی بانصد و پنجاه شخصیت وجود دارد و هر کدام از آنها انسانی یگانه و منحصر به فرد است.

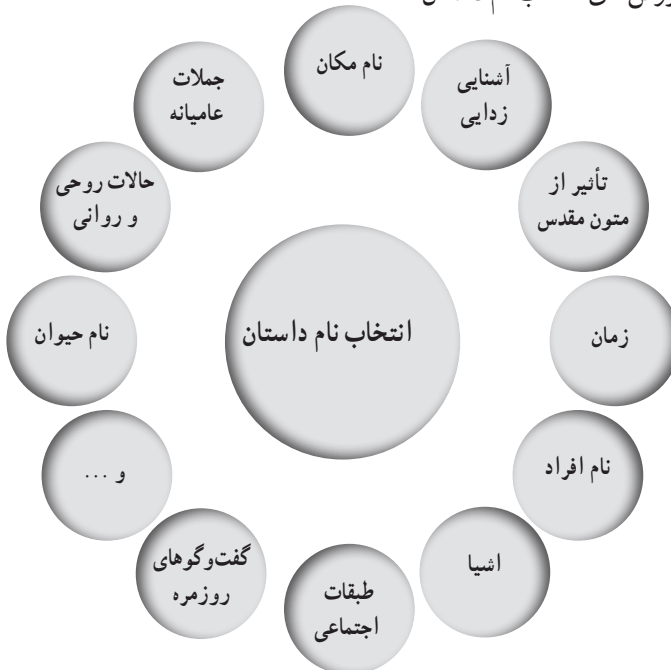
شخصیت‌های قراردادی: این گونه شخصیت‌ها افراد شناخته شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی جا افتاده و سنتی دارند. این نوع شخصیت‌ها به شخصیت‌های قالبی بسیار نزدیک‌اند و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است. «اولین بار این شخصیت‌ها در نمایش‌نامه‌های کلاسیک ظاهر شده‌اند.» و در تئاترهای یونان باستان و بعدها در دیگر انواع ادبی جایی برای خود باز کردند. «در قصه‌های قدیمی غول‌ها، پری‌ها، جادوگرها، آدم‌های خسیس، آدم‌های سخاوتمند شخصیت‌های قراردادی بودند که در توصیف خصوصیت‌های آن مبالغه می‌شد.» از دیگر شخصیت‌های قراردادی در گذشته پهلوانان، عیارها، وزیران دست راست و دست چپ و دلک‌ها را می‌توان نام برد. هر کدام از این شخصیت‌ها مظهر و نمادی از یک رفتار بودند. مثلاً پهلوانان طرفدار عدل و راستی و عیارها مظهر جوانمردی و طرفدار قشر محروم جامعه بودند. در داستان «حاجی آقا» هدایت الگویی از شخصیت‌های قراردادی گذاشته است و حاجی شخصیتی خسیس نشان داده شده است. از خصوصیات شخصیت‌های قراردادی، تازه بودن خصایص آنهاست و به همین دلیل ما از دیرباز با آنها آشنا هستیم و می‌توانیم رفتار و گفتار آنها را حدس بزنیم.

شخصیت‌های نوعی: این نوع شخصیت نشان دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که این خصوصیت‌ها او را از دیگران متمایز می‌کند. برای خلق چنین شخصیتی «باید حقیقت را از چند نمونه زنده و واقعی گرفت.» و بعد با مهارت و هنرمندی در هم آمیخت تا بتوان به شخصیت نوعی مورد نظر دست یافت. شخصیت‌های نوعی، همچون شخصیت‌های قراردادی نیازمند و وام‌دار کیفی سنت‌های ادبی نیستند. ممکن است خصلت یا رفتار تازه‌گروهی یا طبقه خاصی را نشان دهند که در ادبیات سنتی مانند آنها نباشد. مثل خصوصیت‌های نوعی وکیل‌های حيله‌گر و مکار. اگر در طی زمان خصوصیت‌های نوعی دستخوش تغییر و دگرگونی شوند و مصداق خود را از دست بدهند، دیگر نمی‌توان این شخصیت‌ها را نوعی حساب کرد، بلکه در حیطه شخصیت‌های قراردادی از آنها یاد می‌شود.

پ) نام داستان

اسم داستان باید جدید، جاذبه برانگیز و خوش آهنگ باشد. اسم داستان نباید طرح داستان را لو بدهد و همچنین باید در ارتباط منطقی با فضای داستان باشد. بهتر است اسم داستان‌تان را در آخر انتخاب کنید. زیرا در طول نوشتن داستان، ذهن شما داستان را تغییر می‌دهد و داستانی که در ابتدا قصد داشتید بنویسید همانی نیست که حالا نوشته‌اید. (داریوش عابدی، پلی به سوی داستان نویسی)

نمونه‌هایی از روش‌های انتخاب نام داستان:



دیدگاه

دیدگاه به معنی زاویه دید را نباید با اعتقاد یا نظر فرد اشتباه گرفت. زاویه دید نقطه‌ای است که کار از آن نقطه مشاهده می‌شود.

انواع زاویه دید :

✓ اول شخص (من یا ما)

✓ دوم شخص (تو یا شما)

✓ سوم شخص (او یا آنها)

نمونه برای دوم شخص : سوار ماشینت می‌شوی و می‌بینی باقی مانده غذاها هنوز روی صندلی جلو باقی مانده است. همان موسیقی مخصوص برنامه ساعت نه پخش می‌شود.

نمونه برای سوم شخص : از میان جمعیت منتظر برای قطار به سختی خود را بیرون کشید. از پله‌های برقی بالا رفت. احساس سبکی می‌کرد. ناگهان به یاد آورد که کیف لپ‌تاپ‌اش را در قطار جا گذاشته است. نمونه برای اول شخص : با احتیاط شیشه را پایین کشیدم. پانصد تومانی کهنه را از لای شیشه بیرون انداختم. دخترک دستان یخزده خود را بالا برد.

معمول‌ترین دیدگاه در ادبیات معاصر اول شخص و سوم شخص است.

نیایش

این عنوان و صفحه نیایش، بر بنیاد همان اندیشه و باور در کتاب درسی، حضور دارد که صفحه و عنوان ستایش، نیز بر آن استوار است.

پیوستن آغاز و فرجام هر کار به نام و یاد خدای رحمان، بنیاد باورشناختی دارد و مبتنی بر آموزه‌های دینی ماست.

اکنون که به فرجام کرا رسیده‌ایم، چونان جلال‌الدین محمد، روی به درگاه حق می‌کنیم و فریاد برمی‌آوریم :

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ای خدا، ای فضل تو حاجت روا | با تو یاد هیچ کس نبود روا |
| منگر اندر ما، مکن در ما نظر | اندر اکرام و سخای خود نگر |
| چون الف، چیزی ندارم ای کریم | جز دلی دل تنگ‌تر از چشم میم |

این همه گفتیم، لیک اندر بسیج بی‌عنایات خدا هیچیم، هیچ
بی‌عنایات حق و خاصان حق گر ملک باشد، سیاهتش ورق

بیت اول: ای خدایی که فضل و احسان تو حاجت ما مستمندان را بر می‌آورد، با باد تو روا نیست که به
یاد کسی دیگر باشیم.

بیت سوم: ای خدای بخشنده دلمان چون چشم حرف میم بسیار تنگ و کوچک است و مانند حرف
الف هیچ نداریم.

بیت پنجم: اگر عنایات خداوندی نباشد هیچ‌گونه ارزشی نخواهیم داشت.

فارسی

- من زنده‌ام (خاطرات دوران اسارت)، معصومه آباد، نشر بروج، تهران، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۳.
- اتاق آبی، سهراب سپهری، انتشارات سروش.
- داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، نگارش زهرا کیا.
- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، به اهتمام محمد قزوینی، انتشارات کلاله خاور.
- سفرنامه ناصر خسرو، محمد دبیر سیاقی، زوار، تهران.
- فردوسی و شاهنامه، منوچهر مرتضوی، مؤسسه تحقیقات علمی و فرهنگی.
- فرهنگ فارسی، محمد معین، دوره ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر.
- قابوس نامه عنصرالمعالی کی کاووس بن وشمگیر، تصحیح غلامحسین یوسفی، مؤسسه انتشارات علمی فرهنگی.
- کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، تهران.
- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی.
- مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسن، انتشارات مولا.
- ادب مقاومت، غالی شکری، گردانیده محمد حسین روحانی، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، مؤسسه فرهنگی ماهور، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور میهنی، به تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- انواع ادبی، سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- انواع شعر فارسی، منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- بینوایان، ویکتور هوگو، ترجمه حسینقلی مستعان، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۵۷.
- تاریخ ادبیات جهان، باکتراب تراویک، ترجمه عربعلی رضایی، نشر فروزان، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- تحفه الاخوان، عبدالرزاق گاشی، به تصحیح سیدمحمد دامادی، انتشارات علمی فرهنگی.
- جوامع الحکایات، سدیدالدین محمد عوفی، به تصحیح مظاهر مصفا، مؤسسه مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- جهان داستان، جمال میرصادقی، نشر نارون، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- حافظ پژوهان و حافظ پژوهی، ابوالقاسم رادفر، نشر گسترده، چاپ اول، ۱۳۶۸.

- حافظ شیرین سخن، محمدمعین، انتشارات صدای معاصر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- حافظ نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات علمی فرهنگی، انتشارات سروش، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- حماسه سرایی در ایران، ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
- حماسه ملی ایران، تتودر نولدکه، ترجمه بزرگ علوی، نشر جامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- داستان و ادبیات، جمال میرصادقی، انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- داستان‌های صاحب‌دلان، محمد محمدی اشتهاردی، ناشر موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع)، قم، ۱۳۶۷.
- داستان و نقد داستان، احمد گلشیری، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- دربارهٔ رمان و داستان کوتاه، سامرست موام، ترجمه کاوه دهقان، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.
- دیوان سنایی، ابوالمجدود بن آدم سنایی غزنوی، به اهتمام مدرّس رضوی، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا.
- سبک‌شناسی شعر، سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، ی.ا. برتلس، چاپ دوم، مسکو، ۱۹۶۶.
- شرح مثنوی، بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات کتابفروشی زوّار، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- شرح مثنوی، کریم زمانی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- صور فارسی در شعر فارسی، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات سخن، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- فرهنگ کنایات، منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- فرهنگ معاصر، رضا اترابی‌نژاد، منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- فرهنگ نام‌های شاهنامه، منصور رستگار فسایی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۱.
- مکتب حافظ، منوچهر مرتضوی، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- موسیقی شعر، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- واژه‌نامهک، عبدالحسین نوشین، انتشارات دنیا، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- واژه‌نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی، انتشارات کتاب مهناز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

نگارش :

- آموزش مهارت‌های نوشتاری (کتاب درسی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)، گروه مؤلفان، ناشر اداره کل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
- اتاق آبی، سهراب سپهری، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- آن سوی مه، داریوش عابدی، نشر سوره مهر، ۱۳۸۸.
- اگر قره قاج نبود، محمد بهمن بیگی، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۸.
- امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۸.
- بوستان، سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی.
- بی‌بال پریدن، قیصر امین پور، انتشارات افق، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۷.
- تپله‌های شکسته زرد، راضیه تجار، مجله نیریزان، شماره ۲۲، اسفند ۱۳۹۳.
- حالا حکایت ماست، عمران صلاحی، نشر مروارید، ۱۳۹۳.
- داستان معاصر داستان‌نویسان معاصر، گردآوری و تدوین حسین حدّاد، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- دو کلمه حرف حساب، کیومرث صابری، گل آقا، چ اول، ۱۳۷۴.
- رنگ‌آمیزی در نگارش، علی پورامن، نشر اختر، تبریز، ۱۳۹۰.
- زبان فارسی (کتاب درسی دوم دبیرستان)، گروه مؤلفین، ناشر اداره کل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.
- ساختارشناسی تاریخی - تحلیلی شعر کودک و نوجوان، محمد دهریزی، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- سازه‌های نوشتن، سیاوش بیربایی، موسسه فرهنگی مصباح، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- سرگذشت شعر در ایران، علی اصغر سیدآبادی، نشر افق، ۱۳۹۱.
- صداهایی برای نوشتن آواهایی برای نوشتن، فریدون اکبری شلدره، انتشارات روزگار، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- صحیفه سجادیه، ترجمه جواد فاضل، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- طلسم سنگ (مجموعه تره‌های عاشورایی)، سید حسن حسینی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۵.
- فانوس‌های روشن، به کوشش علی فرخ مهر، مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- فوت کوزه‌گری: مثل‌های فارسی و داستان‌های آن، مصطفی رحماندوست، متین پدرامی، مرجان کشاورز آزاد و آذر رضایی، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.

- کتاب معلّم (راهنمای تدریس) آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه‌های هفتم، هشتم و نهم، گروه مؤلفان، ناشر اداره کل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر.
- گلستان، سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه، آندره ژید. ترجمه مهستی بحرینی، انتشارات نیلوفر، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۴.
- معارف اللطایف، محمد علی مجاهد (پروانه)، انتشارات سوره مهر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- نخل، هوشنگ مرادی کرمانی، انتشارات سحاب، تهران، ۱۳۶۹.
- نشان لیاقت عشق، (داستان‌های کوتاه از نویسندگان ناشناس)، برگردان بهنام‌زاده، انتشارات پژوهه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
- نگارستان، معین‌الدین جوینی، تصحیح و گزارش هادی عباس‌آباد عربی، انتشارات اسرارعلم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- نیایش، علی شریعتی، انتشارات الهام، ۱۳۷۸.
- هبوط در کویر (جلد ۱۳ مجموعه آثار)، علی شریعتی.
- هزار حکایت فارسی، منوچهر علی‌پور، انتشارات تیرگان، ۱۳۹۴.
- هفده داستان کوتاه (از نویسندگان ناشناس)، ترجمه سارا طهرانیان، کتاب خورشید، ۱۳۹۳.
- یخی که عاشق خورشید شد، رضا موزونی، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

